

گذری در تعلیم و تحصیل جهان اسلام

خزان 1402

فُهِمَاءُ
مرکز تحقیقاتی فُهِمَاءُ

پایه های این نشریه

- ◇ آیا اسلام دارای نظام تعلیمی و تحصیلی برای امت است؟
- ◇ چرا ما اکثراً متأثر از سازمان های غرب یا جهالت قریه هستیم؟
- ◇ بی سرنوشتی تعلیم دختران چی نتیجه دارد؟
- ◇ دختران حالا چی باید کرد؟

اگر شما علاقه مند عضویت در فهماء باشید. با ما به تماس شوید.



۰۷۷۵۵۵۷۹۵۶

فهماء چیست؟

فهماء یک مرکز تحقیقاتی مستقل و غیر انتفاعی بوده که نشریه های خود را به صورت مجازی نشر میکند. این مرکز توسط فردی در سال ۱۴۰۱ ایجاد گردید.

انگیزه ایجاد این مرکز بعد از سال ها کار در نهاد های علمی و بودن در میان توده های مختلف جامعه به وجود آمد زمانی که دیده شد با وجود تحولات بزرگ در چند دهه اخیر هنوز افغانستان در آتش های مختلف نفاق، تعصب، عرف ناپسند، دشمنی و جهل میسوزد.

تفاوت نشریه های ما با دیگر مراکز در این است که فهماء تحقیقات اش را عملی میکند بنا کوچک اما حقیقی است. نه اینکه کتاب ها و رساله های زیادی نشر کند اما فقط روی صفحات و الماری ها باشد.

فهماء شعبه های مختلف و در حال گسترش دارد، از رهبری و جامعه تا خانواده و معارف و از امنیت تا اقتصاد آنچه نیاز زمانی و حقیقت فراموش شده باشد را برای ملت خواهد رساند.

این مرکز کاملا اسلامی بوده و متاثر از هیچ گروهی نیست. و آنچه در نشریه ها به نشر میرسد بعد از تحقیق و مشوره با مجموعه از متخصصین جوان این مملکت مرقوم خواهد شد.

ان شاءالله ...

فهرست مطالب

صفحه

آیا اسلام دارای نظام تعلیمی و تحصیلی برای امت است.....	صفحه اول
چرا ما اکثراً متأثر از سازمان های غرب یا جهالت قریه هستیم.....	صفحه دوم
بی سرنوشتی تعلیم دختران چی نتیجه دارد؟.....	صفحه سوم
حالا چی باید کرد؟.....	صفحه چهارم

شاه متن این نشریه

زمانی که ما با فکر سالم و رعایت همه حقوق انسانی به تحلیل سازمان ها میپردازیم متوجه میشویم که یا مردم تبدیل به برده های ثروتمند شده اند یا هم اینکه با انواع از مشکلات و اندوه زندگی خود را جهت میبخشند. اسلام برای همه امور زندگی فردی و اجتماعی برنامه دارد که نظام تعلیم و تحصیل یک بخش از اسلام است. اما متأسفانه در عصر دانش و مهارت نصف جامعه ما به سوی بی سوادی روان بوده و اکثریت اعمال سازمانی و خصوصی ما متأثر از طرح های غرب/عرف جاهلانه است.

آیا اسلام دارای نظام تعلیمی و تحصیلی برای امت است

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱

این آیت صدای خاک ریختن بر بی سواد و جهالت ۱۴۴۵ سال قبل از امروز را از میان صحرای خشک و سوزان عرب، امروز و تا پایان هستی به گوش های ما می‌رساند. رسول الله ص امین و متفکر که در برنامه نجات بشریت از گودال بی عزتی سنگ بر صورت و هجرت را در اوج گرسنه گی تحمل نمود.

این آیت مدنی است، یعنی عمده ترین فرامین برای ایجاد و رشد دولت اسلامی را دانشمند ساختن و ارتقاء استعداد ها در جامعه تشکیل میدهد. اینجا که حرف از اسلام محمدی (نسخه کامل و حاضر از قانون زندگی و آسوده گی انسان) است، اگر به صد ها سال دیگر نیز عقب برویم متوجه میشویم که پیامبران اسلام، نخستین اندرز های شان برای جامعه علم و ادب بوده است. آنجا که لقمان حکیم فرزند اش را در مورد آداب اجتماعی و خانواده گی تعلیم میدهد، حقوق را برایش آشکار میکند و آنجا که داود علیه السلام فلز را با علم حاصل کرده خود نرم و مورد استفاده قرار میدهد.

این تفکرات عمیق و خردمندانه برای ما نشان میدهد که جامعه انسانی بدون علم و مهارت ها ارزش حقیقی ندارد و این تنها علم است که هست انسان در هستی را معنی میبخشد. مبانی همه دانش ها نزد الله متعال است که انسان را در زمین توسط کتاب و پیامبران اش متوجه حقایق و ثروت ها (دانش ها) زیر پا (زمین) ساخته است.

ما (جهان اسلام) ۱۰۰۰ سال قبل از امروز برای آموزش و پرورش اصول و مقررات داشته است که در آثار چون مقدمه ابن خلدون و زندگی نامه های دانشمندان بغداد و مدینه میتوانیم به صورت آشکار مشاهده و استفاده نمود. این زمان های است که اروپا هنوز با شناخت انسان و طرز زندگی انسانی مشکل داشت.

پس چگونه ممکن است این همه سالها آموزش و پرورش برای تربیت انسان و کشف ثروت های زمین و آسمان بدون برنامه و روش های مناسب امکان پذیرفته باشد؟ حقی که اسلام برای آموزش و پرورش برنامه، سبک خاص و زیبایی خود را دارد که در هر عصر و زمان قابل استفاده و فلاح جامعه است.

جهان اسلام یک سیاست تعلیمی و تحصیلی^۲ خاص برای اجتماع دارد، که به صورت عمده شامل موضوعات مقابل میگردد: فراهم نمودن فرصت های آموزش و پرورش برای همه انسان ها (زن و مرد) از روز تولد تا زمان مرگ، استفاده مثبت از تمامی استعداد های موجود در یک سرزمین، محیط تعلیمی رشد دهنده استعداد های فنی و عاطفی انسان، استفاده از محبت و اخلاص در آموزش و پرورش، تنظیم دانشکده ها به اساس نیاز های جامعه و آینده دولت اسلامی، در نظر گرفتن جنسیت و توانایی های فردی در امر آموزش و پرورش، تکمیل نمودن احتیاجات افراد تحت آموزش و پرورش، فراهم نمودن امنیت روانی و جانی، ترغیب و تنبیه محصلین به منظور تلاش بیشتر در دانش، هدفمند سازی برنامه ها چون پیشرفت جامعه در اخلاق و فنون به صورت موازی، اطمینان و ارزشیابی از پیش رفت کار و دیگر موارد که همه و همه بیان گر سیاست های تعلیمی و تحصیلی جهان اسلام است.

پس میتوان با دلیری گفت جهان اسلام بهترین و کامل ترین نظام آموزش و پرورش را دارد و این تنها نظامی است که به معنی حقیقی آن انسان را در همه ابعاد تربیت و رشد میدهد. اما متاسفانه امروز در سطح همه دانشگاه ها یادی از این سیاست ها نمی شود. به همین دلیل است که الی امروز هم ما نمی توانیم آیین سالم از سیاست های تعلیمی و تحصیلی خود برای مردم داشته باشیم، چراکه عادات و سرشت مردم با سیاست های موجود هماهنگی ندارد و در نتیجه آموزش و پرورش بیشتر وابسته به پول میشود تا فقط ثروتمندان از آن مستفید باشند و نسل تحت آموزش به سبب عدم سنجش های طولانی مدت سرزمین از دانش های یادگرفته خود سود عظمی را حصول نمی کنند.

۱: اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. سوره الجمعة ۲

۲: برای معلومات بیشتر در این موارد به کتاب اسلام دین فطرت نبشته از سعید حوی مراجعه شود. ما در این نشریه همه چیز را به صورت خلاصه بیان نمودیم.

چرا ما اکثراً متأثر از سازمان های غرب یا جهالت قریه هستیم؟

افغانستان همواره در تنش میان سازمان های غرب و جهالت قریه آسیب دیده است. در طول تاریخ های نزدیک متوجه میشویم که سازمان های مختلف برای نمایش روش کار خود در دوره های کوتاه و طویل زیربنا های جامعه را سست، سبب تباهی و جاری شدن خون های زیادی در کشور ما شده اند. یا اینکه به سبب جهالت های حاکم در قصبه ها و دهات نظام خانواده، تربیت و ترقی کشور تحت تاثیر اندیشه های خودساخته قرار گرفته و رشد اقتصاد ملی کشور را متوقف کرده اند.

طی سال های گذشته افغانستان حکومت های گوناگون را از روش های سیاسی و نظامی متفاوت تجربه کرده است، این تغییرات آنقدر نزدیک به هم بوده است که هر فرد کشور حد اقل تجربه دو حکومت آخر و اندیشه های از یک حکومت سابقه را در ذهن خود میپروراند. هر دوره از خود یک برنامه برای اداره ملت و تنظیم امور داشته که در نتیجه نظام اداری افغانستان را مخلوطی از روش ها و افراد چند قطبی ساخته است.^۱

در میان سبزه های روشن صدای پرند های آزاد چشم تو را به درختی پر میوه کنار جوی می اندازد، با تعقیب ترانه های آرام بخش و صدای آب دلت هوای چند لحظه بودن در کنار جوی و سایه سبب میکند، اما نا نشسته چشمت به طویله سر باز دوخته میشود که دختران کوچک با حیوانات مصروف اند و پسران در شاخه ها بازی میکنند. با دیدن پسرک داستان زمین های بی صاحب و دشمنی های قریه جات به یادت می آید، اینجاست که سایه سبب برایت تاریک و سیب برایت کاه میگردد.^۲

متأسفانه قریه جات کشور هنوز با چشم صد سال قبل و شاید دور تر از آن به زندگی و اطراف خود مینگرند. این همه سال زندگی در عدم مکتب و دانشگاه با سایه فقر چشم های زیادی را کور کرده است. تا اینکه آثار جهالت قریه با تجملات زندگی شهری یکجا شده و سبک زندگی مردم را عجیب کرده است.

تمامی مردم تا یک قسمتی پیرو اندیشه های قریه (رسم و رواج قومی) و سپس پیرو چشم دید های خود از تجملات و قوانین دولت های گذشته هستند. این امر به این سبب است که فاصله زمانی حیات مردم از دوره قریه و شهر نشینی زیاد نیست و در همین حال سال ها جنگ و فقر مانع رشد اندیشه های معاصر اسلامی شده است.

به همین سبب تعلیم و تحصیل در میان خواسته های قریه و غرب میسوزد که آسیب جبران ناپذیری را برای اکثریت خواهد داشت. اگر ما بتوانیم جهالت قریه ها را از بین زندگی روزمره خود دور بسازیم و اندیشه های وارداتی باقی مانده را از افکار مردم به صورت عملی و با بدیل زیبا دور بسازیم، پس ما توانسته ایم سرزمین خود را حقیقتاً به سوی فلاح سوق بدهیم. چون نتوان چند رنگ را رنگ صدا کرد.

پاک کردن مردم از جهالت های حاکم در قریه و تمایلات سازمانی غرب فقط به واسطه علم ممکن است مگر همان علم که جامعه را در بعد معنوی و مادی به صورت موازی رشد داده، به علم و عالم ارزش و جایگاه خاص قایل باشیم. این ارزش دهی و حاکم ساختن علم در جامعه ممکن تنها زمانی قابل اجرا باشد که هدف اصلی جوانان از یادگیری داشتن شخصیت مفید برای جامعه اسلامی باشد و هدف اصلی دولت از آموزش و پرورش در سطح مدرسه تا عالی تربیت نسل همه جانبه و به اساس نیاز های امت باشد. سپس این نسل بتوانند با حس امنیت، ارزش، محبت، امید و علاقه مهارت ها و دانش های که فراگرفته اند را در میان صحرا ها و شهر ها به آبادی تبدیل نموده و برای استفاده از داشته های زمین بپردازند. این آبادی در حالی زیباست که کرامت و حقوق انسان ها در همه جا و هر زمان هویدا باشد.

این همان تصویر زیبا است که همه در آرزوی دیدن آن است.^۳

۱: کثرت تجربه مردم از دوره های مختلف سبب پراکنده شدن و تفاوت اندیشه به صورت گسترده شده است. این وضعیت آنقدر جدی است که حتی یک جوان ۱۸ ساله همچنان برای تمام نظام و زندگی انسانی برنامه و تعریف خود را دارد. کثرت اندیشه ها برای یک کشور ضرر رسان و جریان متحد ساختن ملت را دشوار میسازد.

۲: اگر چه افغانستان دارای منابع طبیعی فراوان است، اما بی سوادی و عدم آگاهی مردم دهات از باید های طبیعت و زندگی هنوز یک چالش بزرگ است. رسم و رواج های کهن هنوز حرف اول را میزند و مردم هنوز از تعلیم و خدمات رفاهی درست برخوردار نیستند به همین سبب قریه ها هنوز عنعنوی و زیاد مثر نیست.

۳: تنها معلمان نقاش این تصویر اند

بی سرنوشتی تعلیم دختران چی نتیجه دارد؟

عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «من نَفَسَ عن مؤمن كُزْبَةً من كُرب الدُّنيا، نَفَسَ اللهُ عَنْهُ كُزْبَةً من كُرب يومِ الْقِيَامَةِ، ومن يَسَّرَ على مُعَسِّرٍ يَسَّرَ اللهُ عَلَيْهِ في الدُّنيا والآخرة، ومن سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللهُ في الدُّنيا والآخرة، والله في عَوْنِ الْعَبْدِ ما كَانَ الْعَبْدُ في عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ. وما اجْتَمَعَ قَوْمٌ في بَيْتٍ من بُيُوتِ اللهِ تَعَالَى، يَتْلُونَ كِتَابَ اللهِ، وَيَتَذَكَّرُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشَّيْتُهُمُ الرَّحْمَةَ، وَحَفَّتُهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لم يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»

اینجا سخن ما در باب نتایج بی علمی دختران فراتر از تصورات و گفته های مروج است. شما به این سخن رسول الله ص که در بالا ذکر نمودیم دقت کنید، چقدر زیبا ارزش دهی و معیار های بلند بردن کیف زندگی را برای ما یاد میدهد. این حدیث در کنار اینکه بنیاد های از عقیده پاک یک مومن است، همچنان بنیاد های یک جامعه مملو از امنیت و انسانیت است. آن اعمال که در شروع و ختم این حدیث ذکر شده است، همه اش رابطه نزدیک به دنیا و آخرت دارد. مگر همین که بحث علم و اندیشه میشود **رابطه مستقیم با بهشت برقرار** میگردد، و هر آنچه مسیر رسیدن به بهشت است در حقیقت یگانه گذرگاه عملی برای آبادی و ارزش دادن به کرامت انسانی است.

این یعنی! اگر ما مسیر های علم و دانش را به روی دختران مسدود نماییم پس ما در حقیقت مسیر آبادی سرزمین را مسدود و کرامت ها را زیر پا نمودیم، به سبب اینکه زنان پاک و دانشمند بزرگترین نعمت الهی برای یک مرد مسلمان است. اگر ما نعمت بودن زن برای مرد را در باب عیش خلاصه نماییم پس حقی که سخت نادانیم. چرا که زن مسلمان از این سبب نعمت بزرگ برای مرد مسلمان است که او با عفت و دانش خود از تمامی عزت، اموال، اهداف، خانواده، وقار، و نفس مرد دفاع میکند و نفس مرد را از پلید شدن نجات میدهد. این هنوز سرخط مقدمه در باب ارزش زن در زندگی مرد است. چراکه زن مسلمان با قدرت علم خود فرزندان آراسته با ادب و راست کار را برای جامعه تقدیم میکند. دولت ها اگر میخواهند جامعه را از فساد و خون ریزی ها نجات بدهند باید مادران را بیشتر از همه حمایت نمایند چون این تنها مادران اند که مانع فساد و ظلم جوانان شده میتوانند.

به زبان ساده دور بودن دختران/ زنان از علم در حقیقت دور بودن شان از مسیر بهشت است که آثار دوری از بهشت با فساد اخلاقی در خانواده ها و جامعه روشن میشود. شما فکر کنید به جامعه که زن برده باشد، حقوق شوهر درست اداء نگردد، مادر برای تربیت فرزندان چیزی در ذهن نداشته باشد، مدرسه ها استاد کافی نداشته باشد، عادات بر احکام غلبه کند و امید ها مرده باشد.

تحمل این نمایش دشوار است.

۱: (ترجمه) از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر کس تنگی و غمی از تنگی ها و غم های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، خداوند تنگی و غمی از تنگی ها و غم های قیامت را از او برطرف می کند و هر کس با بدهکار تنگدستی، آسان گیری کند، خداوند در دنیا و آخرت با او آسان گیری می کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بیوشاند، خداوند در دنیا و آخرت (عیوب و گناهان) او را می پوشاند؛ خداوند یار بنده است تا وقتی که بنده یار برادر خود باشد، و هر کس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن، راهی به سوی بهشت برای او هموار می نماید؛ و هر گاه عده ای در یکی از خانه های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می شود و رحمت خدا آنها را فرا می گیرد و ملائکه آنان را فرو می پوشانند و خداوند در زمره ی کسانی که همواره در حضور او هستند، از آنان یاد می کند؛ و کسی که عمل خیرش نتواند به او کمک کند، (عملی نداشته باشد، یا عملش خالصانه و مقبول نباشد)، نسب او هیچ فایده ای برای او ندارد و به دانش نمی رسد.»

مگر حالا چی ؟

با تأسف که حالا صحنه همین گونه است، برای رشد مهارت های اساسی^۱ دختران و رسیدن به نقاط اوج دانش، زمینه مساعد نیست. این امر سبب گسترش بی سوادی میگردد و این در حالی است که شاید در هر سه زن افغان ما فقط یک زن آموزش دیده صحیح داریم.

ادامه این وضعیت زندگی کردن را برای والدین و فرزندان دشوار میسازد، چراکه اهداف و امید ها هر دو خاک بر زمین میشوند. اما در هر حال و شرایط دروازه های برای رسیدن به موفقیت وجود دارد. الله سبحانه و تعالی هیچ مصیبتی را بالای بنده تحمیل نمی کند مگر اینکه به خیر او باشد یا نتیجه اعمال خود بنده/گروه بالای خود باشد.

انسان های موفق در هر شرایط برای خود مسیر سازی میکنند و انسان های ناکام در هر شرایط منتظر یک محرک اند تا آنها را به اهداف و برنامه های شان نزدیک بسازد. محرک همیشه امکان پذیر نیست، اما مسیر سازی همیشه و در هر صورت امکان پذیر است.

اکنون مکتب و دانشگاه نیست، اما مدارس، دارالعلوم ها، مراکز یاددهی کاردستی و علوم صحتی به صورت عادی فعالیت دارند، در کنار این آموزش ها منابع مجازی زیادی در شبکه ها موجود است که به صورت (تصویری، صوتی و نوشتاری) قابل دریافت و استفاده میباشد. دختران باید یک برنامه درسی منظم را برای خود تنظیم نمایند تا بتوانند مهارت های اساسی خود را رشد بدهند. در همین حال از مراکز آموزشی ذکر شده به نزدیک ترین و بهترین مراکز مراجعه کرده و اگر شرایط درست باشد به آنجا ثبت نام نمایند.

در برنامه درسی باید موضوعات ذیل شامل باشد:

- ✓ یادگیری علوم دین اسلام (فقه، عبادات، اخلاق، اقتصاد، خانواده)
- ✓ یادگیری یک زبان ملی و جهانی
- ✓ یادگیری مهارت های استفاده از کمپیوتر و فن آوری
- ✓ یادگیری ریاضیات و معلومات در مورد بدن انسان (در حد توان و نیاز)
- ✓ مطالعه در مورد تاریخ
- ✓ مطالعه در مورد منابع طبیعی و بازار ها
- ✓ مهارت های لازم برای خانه و صحت

این ها تماماً چیزهای اند که ما به صورت عادی میتوانیم با دیدن آموزش های تصویری و مطالعه کُتب یاد بگیریم و در حقیقت این ها همان نیاز های اساسی همه و به خصوص دختران است. اگر شما بتوانید این چیز های را یاد بگیرید حتی اگر به مکتب نروید و سن شما از ۱۸ یا ۲۰ سال بلند برود شما باز هم بعد از باز شدن نهاد های تحصیلی میتوانید مستقیم به یک رشته دلخواه خود ثبت نام نموده و شروع به دوره دانشگاهی خود کنید. یا با سفر نمودن به یک کشور دیگر بعد از سپری نمودن دوره های پیشنیازی آغاز به یک رشته کنید.

میفهمیم این کار برای اکثریت مشکل است اما شما از یک استاد مشوره گرفته و برنامه درسی که شامل تقسیم اوقات درسی، منابع و نیازمندی ها باشد نزد خود ترتیب کنید.

۱: به صورت عموم مهارت های اساسی در علم آموزش و پرورش شامل یادگیری مهارت های جسمانی برای شرکت در اجتماع، توسعه نظر صحیح در باره خود به عنوان موجود رشد کننده، یادگیری طرز بسر بردن با همسن ها، یادگیری نقش مونث یا مذکر بودن، رشد مهارت های خواندن و نوشتن، رشد وجدان اخلاق و مقیاس ارزش ها میباشد.

اگر با کامپیوتر بلدیت دارید پس همه موارد را در صفحه نوشته و با استفاده از تقویم روز های درس را برای خود طبق اوقات فرصت و علاقه شخصی تنظیم کنید، اگر کامپیوتر فراهم نیست پس کتابچه/ورق سفید را استفاده کرده و همه برنامه خود را بنویسید. برای دریافت منابع از پول های که در خوراکیه و پوشاک از روی شوق مصرف میکنید را برای خریداری کتاب مصرف کنید و از اینترنت خود برای جستجو معلومات مستفید شوید. در جریان این برنامه وسوسه های شیطان با سخنان مانند این که (از این چیز های چیز جور نمیشه، برو تو لوده هستی مکتب که نبود نمیشه، از تو چیز جور نمیشه، او برو کتی دوتا کتاب چی میشه، او حیف پیسه سر کتاب، او بان باز هر وقت مکتب و دانشگاه باز شد درس میخوانم و...) را به خود راه ندهید. خود را یک قهرمان فکر کنید که در میان آتش در تلاش نجات دیگران است و تنها کسی هستین که میتواند قهرمانی کند. باورد داشته باشید همه چیز حل میشود.

در پایان باید گفت مهم ترین بخش زندگی شاکر بودن بر داشته ها و پرتلاش بودن در جریان مشکلات است. انسان های که شاکر نباشند و در سختی ها تلاش برای موفق شدن نداشته باشند این ها در هر حالت نتیجه جز شکست ندارند. امروز الحمد لله چیز های زیادی برای سپاس گذاری از الله متعال نزد ما است. نعمت صحت، امنیت، عزت، خانواده، سرزمین غنی و... هنوز با ما است، ثم الحمد لله. همچنان دانستیم که جهان اسلام زیبا ترین نظام آموزشی را دارد و در عدم یادگیری چی مصیبت های دامن گیر جامعه و شخصیت ما میشود. پس امروز باید با نفس خود و با شهر خود تعهد نماییم که برای یادگیری و دانش در هر زمان و هر شرایط تلاش کرده و یکجا باهم سرزمین و ارزش های از دست رفته خود را احیاء میکنیم.

تا سبزه به چمن نباشد، چمن چمنی نیست
تا ما در وطن باهم نباشیم، ما و وطنی نیست
این دیار سرخ و سیاه، روزی گلزار خواهیم ساخت
تا در روز سیاه نباشی، تو را حق بر وطنی نیست

یادداشت های شما:
